

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه 20 حفظ و پشتکار، بخش 4، سیستماتیک فرمول‌بندی‌ها، ارتداد، حیات ابدی، جلال

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد رستگاری است. این جلسه 20، حفظ و استقامت، بخش 4، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک، ارتداد، زندگی ابدی، جلال است.

ما در حال مطالعه حفظ مقدسین توسط خدا هستیم که با آموزه کتاب مقدس تکمیل می‌شود؛ مقدسین باید در ایمان، عشق و تقدس استقامت کنند، که به آموزه کتاب مقدس پیوسته است، خداوند به قوم خود اطمینان می‌دهد، به آنها اطمینان نجات‌ناهی می‌دهد، زیرا به کلام او اعتماد می‌کنند، شهادت درونی روح را تجربه می‌کنند و شاهد کار او در زندگی خود هستند.

چهارمین آموزه‌ای که در این توالی، در این گروه از آموزه‌ها، یعنی حفظ، پشتکار و اطمینان، به هم پیوند می‌خورد، ارتداد است. اطمینان و ارتداد مباحث کلامی مرتبط با حفظ و پشتکار هستند. پس از بررسی اطمینان، به مورد دوم می‌پردازیم.

ارتداد، بنا به تعریف، به معنای خروج از ایمانی است که قبلاً به آن اعتراف شده است. در بافت مسیحی ارتداد به معنای خروج از ایمانی است که قبلاً به مسیح ابراز شده است. کتاب مقدس حاوی هشدارهایی در مورد ارتداد است.

با این حال، هشدارها کارکردهای بسیار دیگری نیز دارند. نیمی از کتاب من، نجات امن ما، به متون مربوط به حفظ و نیمی دیگر به متون هشدار دهنده می‌پردازد. در اینجا کارکردهای اصلی متون هشدار دهنده در عهد جدید آمده است.

نکته‌ی اصلی که پیدا کردم و تا حدودی شگفت‌زده شدم، تمایز قائل شدن بین مؤمنان واقعی و دروغین است. متی ۷: ۱۶-۲۳، لوقا ۸: ۴-۱۵، یوحنا ۱۵: ۱-۸، اعمال رسولان ۸: ۱۳ و ۸: ۲۰-۲۴، رومیان ۸: ۱۳. کارکرد اصلی متون هشداردهنده در عهد جدید، تشخیص مؤمنان واقعی از مؤمنان دروغین است. متی ۷: ۱۶-۲۳، لوقا ۸: ۴-۱۵، یوحنا ۱۵: ۱-۸، اعمال رسولان ۸: ۱۳ و ۸: ۲۰-۲۴، رومیان ۸: ۱۳. کارکرد دیگر متون هشداردهنده، آشکار کردن ایمان ناقص است.

یوحنا ۲: ۲۳-۲۵، اول تیموتائوس ۳: ۱-۷، اول تیموتائوس ۱: ۱۸-۲۰، دوم تیموتائوس ۱: ۱۱-۱۳. برای آشکار کردن، برای آشکار کردن ایمان ناقص. یوحنا ۲: ۲۵-۲۷، اول تیموتائوس ۳: ۱-۷، اول تیموتائوس ۱: ۱۸-۲۰، دوم تیموتائوس ۱: ۱۱-۱۳.

یکی دیگر از کارکردهای متون هشداردهنده، هشدار دادن در مورد رد کردن انجیل است. متی 10:33، اول تیموتائوس 1:4-5، دوم تیموتائوس 17:2-19. هشدار دادن در مورد رد کردن انجیل.

متی ۱۰: ۳۳، اول تیموتائوس ۴: ۱-۵، دوم تیموتائوس ۲: ۱۷-۱۹. یکی دیگر از کارکردهای متون هشداردهنده، آشکار کردن چهره افراد نجات نیافته‌ای است که به نظر نجات یافته‌اند. اول تیموتائوس ۵: ۸، اول تیموتائوس ۵: ۱۱-۱۲، دوم پطرس ۲: ۲۰-۲۲، اول یوحنا ۵: ۱۶-۱۷، مکاشفه ۲۲: ۱۸-۱۹. آشکار کردن چهره افراد نجات نیافته‌ای که به نظر نجات یافته‌اند.

اول تیموتائوس ۵:۸، اول تیموتائوس ۱۱:۵-۱۲، دوم پطرس ۲۰:۲-۲۲، اول یوحنا ۵:۱۶-۱۷، مکاشفه برای نشان دادن نفرت خدا از گناه. اعمال رسولان ۵:۵-۱۰، یعقوب ۱۹:۵-۲۰. برخی از متون ۱۹:۱۸-۲۲ هشدار دهنده، نفرت خدا از گناه را نشان می‌دهند. اعمال رسولان ۵:۵ و ۱۰:۵، یعقوب ۱۹:۵-۲۰. حداقل یک متن در مورد سلب صلاحیت از مقام هشدار می‌دهد.

اول قرنتیان ۹:۲۷، پولس از گناهان خود می‌ترسد، گناهان بالقوه می‌توانند او را از مقام رسولی محروم کنند، برای هشدار در مورد رد صلاحیت از مقام. اول قرنتیان ۹:۲۷. برای تفسیری که از این دیدگاه پشتیبانی می‌کند، مراجعه کنید 2:33, 2:36 Wolf, VOLF, Judith, Gundry, Wolf, Paul, and Perseverance به یکی دیگر از کارکردهای متون هشدار دهنده، همانطور که از قبل می‌توانید ببینید، موضوع ساده‌ای نیست.

متون هشداردهنده کارکردهای متعددی دارند، کارکردهای متفاوتی. هشدار دادن از داوری‌های دنیوی. اول قرنتیان ۱۱:۳۲. برخی از شما ضعیف و برخی بیمار هستید.

بعضی از شما می‌خواهید، تعبیری حسن‌تعبیر برای داوری دنیوی خدا در مورد مرگ. برای هشدار از داوری‌های دنیوی. اول قرنتیان ۱۱:۳۲. موارد بیشتری از این وجود دارد، اما من فقط به کارکردهای مختلف آیات ۱، ۲، ۳، که نمایانگر نکات من هستند، اشاره کرده‌ام ۸، ۶، ۵، ۴، ۳.

اینکه مسئله ساده شمردن بینی‌ها نیست. او، همه این آیات هشداردهنده، ارتداد را هشدار می‌دهند. نه، اما برخی این کار را می‌کنند.

برای تأکید بر لزوم پشتکار. کولسیان ۱:۲۳، عبرانیان ۴:۶-۸، عبرانیان ۲۶:۱۰-۳۸. برای تأکید بر لزوم پشتکار. کولسیان ۱:۲۳، عبرانیان ۴:۶-۸، عبرانیان ۲۶:۱۰-۳۸. عهد جدید هشدار می‌دهد، شکی در آن نیست.

عهد جدید در مورد خطر ارتداد برای کسانی که ادعا می‌کنند مسیح را می‌شناسند، هشدار می‌دهد. متی ۲۴: ۹-۱۰. نگاه شما را تسلیم خواهند کرد تا آزار و اذیت شوید و شما را خواهند کشت. عیسی گفت: «به خاطر ۱۰. نام من، همه ملت‌ها از شما متنفر خواهند شد».

آنگاه بسیاری از ایمان خود منحرف خواهند شد، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. متی ۹:۲۴-۱۰. اول تیموتائوس ۴:۱. اما روح‌القدس به صراحت می‌گوید که در زمان‌های آخر، برخی از ایمان رویگردان خواهند شد و به ارواح گمراه‌کننده و تعالیم شیاطین گوش خواهند داد. اول تیموتائوس ۴: ۱. عبرانیان ۳:۱۲. ای برادران، مراقب باشید که در هیچ یک از شما دلی شریک و بی‌ایمان نباشد که از خدای زنده رویگردان شود.

عبرانیان ۳:۱۲. اول یوحنا ۲:۱۹، متی بسیار مهم است زیرا حفظ ایمان و ارتداد را به هم مرتبط می‌کند. آنها از ما بیرون رفتند، معلمان دروغین بیرون رفتند، اما به ما تعلق نداشتند. زیرا اگر به ما تعلق داشتند، با ما می‌ماندند.

اول یوحنا ۲:۱۹. سیستماتیک کردن، حفظ کردن، استقامت، تضمین کردن و ارتداد. کتاب مقدس یک الهیات سیستماتیک کامل ارائه نمی‌دهد، اما تا حدی آموزه‌های خاصی را سیستماتیک می‌کند. این کار را برای حفظ کردن و ارتداد انجام می‌دهد.

کتاب مقدس، حفظ ایمان و پشتکار را به هم مرتبط می‌کند. کلام خدا می‌آموزد که خدا قوم خود را حفظ می‌کند. او آنها را حفظ می‌کند تا کاملاً از ایمان دور نشوند و در نهایت، اگر بخواهیم از قیدهای سنت آگوستین استفاده کنیم.

کتاب مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که قوم خدا باید در ایمان، عشق و تقدس پایدار بمانند تا به رستگاری نهایی دست یابند. چگونه می‌توانیم این دو حقیقت را با هم مرتبط کنیم؟ ما نمی‌توانیم آنها را کاملاً با هم مرتبط کنیم زیرا آنها زیرمجموعه‌ای از راز آشکار شده کتاب مقدس در مورد حاکمیت خدا و مسئولیت انسان هستند. فکر می‌کنم به اندازه کافی در مورد این موضوع صحبت کرده‌ام تا بگویم این یکی از آن مشکلات است.

دکترین تثلیث، دو ذات مسیح، تنش‌ها یا تناقض‌های اساسی در کتاب مقدس هستند. حاکمیت خدا و مسئولیت انسان اساسی نیستند، اما به نظر من به یک اندازه مرموز هستند. دی. ای. کارسون موافق است.

«کتاب‌های او با عنوان «حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی» و سپس کتاب محبوب‌تر او با عنوان *ای پروردگار، تا کی؟ تأملات مسیحی در باب رنج و شر* «و چیزی شبیه به آن را ببینید. او فصلی در مورد راز مشیت الهی دارد و فصل بعد از آن را که در آن نشان می‌دهد در کتاب مقدس، تنش بین حاکمیت خدا و مسئولیت انسانی ایجاد می‌شود، به تفصیل شرح می‌دهد. این تنش از بین نمی‌رود و درست مانند آموزه تثلیث و دو ذات در شخص مسیح، کاری که ما انجام می‌دهیم این است که آموزه‌های کتاب مقدس را در تنش بیان می‌کنیم.

ما اشتباهات هر دو طرف را کنار می‌گذاریم و با تنش زندگی می‌کنیم. چه اشتباهاتی را در هر دو طرف حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی کنار می‌گذاریم؟ اول از همه، خدا حاکم مطلق است. او هر آنچه را که اتفاق می‌افتد از پیش مقدر می‌کند و سپس اراده خود را در آن اعمال می‌کند.

در همین راستا، انسان‌ها مسئول هستند. مهم است که به مسیح ایمان داشته باشیم یا نه. به عنوان مسیحی مهم است که آیا انجیل را به اشتراک می‌گذاریم یا نه.

مهم است که دعا کنیم یا نه، و گاهی اوقات، این چیزها با هم همپوشانی دارند. بنابراین، اعمال یکسان دارای علیت دوگانه هستند. آنها اعمال انسان‌ها هستند، حتی گاهی اوقات اعمال گناه‌آلود، مصلوب شدن پسر خدا، خیانت به پسر خدا، نقش قیافا در آن، یهودیانی که برای خون عیسی فریاد می‌زنند.

در عین حال، همان عمل، یعنی مصلوب شدن، توسط خدا قبل از خلقت جهان برنامه‌ریزی شده بود. در اول پطرس ۱، پسر در مصلوب شدنش، کار رهایی‌بخشش، رستگاری از طریق خونش، و البته صلیب توسط خدا برنامه‌ریزی شده بود، از پیش شناخته شده بود. بنابراین، در اعمال رسولان ۴، آنچه خدا از پیش مقدر کرده بود، به دست انسان‌های شرور به وقوع پیوست.

از یک سو، ما خدا را مطلقاً حاکم مطلق نمی‌دانیم، اما جبرگرایی را نیز کنار می‌گذاریم. تفاوت بین جبرگرایی و آموزه‌های کتاب مقدس مبنی بر اینکه خدا بر هر آنچه اتفاق می‌افتد حاکم است، این است که خدا در کتاب مقدس شخصی با شخصیت است. ما در دام سرنوشت یونانیان گرفتار نیستیم.

این درست نیست که هر چه پیش آید، پیش آید. ما فقط دست روی دست می‌گذاریم و تسلیم می‌شویم. نه، خدا خالق، روزی‌دهنده، نجات‌دهنده و تمام‌کننده است. او با مشیت خود عمل می‌کند.

ما هرگز انکار نکرده‌ایم که این موضوع مرموز است، اما جبرگرایی هم نیست. ما نه با سرنوشت‌ها و نیروهای غیرشخصی، بلکه با خدای زنده و حقیقی که ابدی و شخصی است، سر و کار داریم. از سوی دیگر، مسئولیت واقعی انسان وجود دارد.

همانطور که قبلاً در این سخنرانی‌ها گفتم، من مطمئنم که اساس فرستادن مردم به جهنم توسط خدا، گناهان آثار، کردار و، erga آنهاست. ارائه کامل، افکار، سخنان و اعمال گناه‌آلود آنها. به طور خلاصه، معمولاً فقط اعمال آنها.

بارها و بارها، در هر متنی، چه دقیقاً از این اصطلاحات استفاده کند و چه نکند، مردم بر اساس آنچه انجام داده‌اند قضاوت می‌شوند و به خاطر آنچه علیه خدای مقدس و عادل انجام داده‌اند محکوم می‌شوند. چه پارامتری را در آن طرف قرار می‌دهیم؟ ما حتی باید همانطور که جبرگرایی را از یک طرف در مورد حاکمیت خدا و از طرف دیگر در مورد مسئولیت انسانی، کنار بگذاریم، باید آنچه را که فیلسوفان قدرت مطلق می‌نامند، در طرف مقابل نیز کنار بگذاریم. اعمال ما مهم هستند.

همانطور که گفتم، برای مثال، مهم است که مردم به عیسی ایمان داشته باشند یا نه. اما ما نمی‌توانیم نقشه خالق را نقش بر آب کنیم. ما قدرت مطلق خلاف این را نداریم.

ما مخلوقات خدا هستیم. ما نقشه‌ی بی‌چون و چرای خدا را تضعیف نمی‌کنیم. پس، مهم است که من شاهد باشم یا نباشم، درست است؟ درست است.

اگر من شهادت ندهم، آیا این باعث لغو نقشه خدا برای بشارت دادن به جهان می‌شود؟ شوخی می‌کنی؟ نه، او خداوند است. بله، اگر اینطور باشد، من علیه او شورش کرده‌ام. و من برکت نخواهم یافت و خدا از من استفاده نخواهد کرد، اما این بدان معنا نیست که او از هیچ کس استفاده نخواهد کرد.

بنابراین، مخلوق در نهایت اراده خالق را خنثی نمی‌کند. آیا این همه مشکلات ما را حل می‌کند؟ نه، این یک راز است. چگونه در جهان، مصلوب شدن عیسی بزرگترین جنایت و بزرگترین عمل خداست، همراه با رستاخیز او برای به ارمغان آوردن بیشترین خیر برای بیشترین تعداد؟

من نمی‌فهمم، اما به آنچه خدا گفته ایمان دارم. حفظ خدا باعث استقامت ماست. حفظ و استقامت در این رابطه، در این نسبت، پابرجاست.

حفظ و نگهداری باعث استقامت می‌شود. بنابراین، اگر ما پشت حفظ و نگهداری بایستیم، یک رابطه علی و معلولی وجود دارد. اگر پشت استقامت بایستیم و به عقب نگاه کنیم، استقامت نتیجه حفظ و نگهداری خداوند است.

یعنی، این میوه، نتیجه و گاهی اوقات گواه بر این است که خدا قوم خود را حفظ می‌کند. من وقت ندارم که در مورد همه این نکات به تفصیل توضیح دهم. نه تنها حفظ خدا ما را نجات می‌دهد، بلکه استقامت ما نیز ثمره حفظ [قوم] است.

اگر با خدا شروع کنیم، متوجه می‌شویم که او قوم خود را حفظ می‌کند. حفظ او علت نهایی استقامت ماست. علل نزدیک زیادی وجود دارد، اما علت نهایی، لطف خدا، لطف غالب اوست.

اگر با انسان‌ها شروع کنیم، توجه داریم که حفظ و نگهداری ما توسط خداوند، از جمله استقامت، در زندگی ما ثمر می‌دهد. بنابراین، استقامت ما تأییدی بر حفظ و نگهداری ما توسط اوست. بسیاری از آیات این موضوع را تأیید می‌کنند.

عیسی از پیامبران دروغین صحبت کرد و دو بار هشدار داد که آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. متی ۲۰. خود کتاب مقدس به حفظ ایمان، استقامت، اطمینان و ارتداد مربوط می‌شود ۷:۱۶.

این امر در کتب عهد جدید نیز صدق می‌کند. کتاب مقدس این سه اصل حفظ ایمان، استقامت و ارتداد را به گونه‌ای گرد هم می‌آورد که به ما در درک آنها و ارتباط متقابلشان کمک می‌کند. همان کتب عهد جدید، هر سه آموزه را آموزش می‌دهند.

حفظ ایمان، لوقا ۲۲:۳۱ و ۳۲. پشتکار، لوقا ۸:۴ تا ۱۵. ارتداد، لوقا ۱۶:۱ تا ۱۹.

حفظ ایمان، یوحنا ۶:۳۷ تا ۴۴. یوحنا ۱۰:۲۶ تا ۳۰. پشتکار، یوحنا ۱۵:۱ تا ۸. ارتداد، یوحنا ۱۳:۲۱ تا ۳۰.

حفظ و نگهداری، رومیان ۵:۹ و ۱۰. رومیان ۸:۳۱ تا ۳۹. پشتکار، رومیان ۱۳:۸.

ارتداد، رومیان ۱۱:۱۷ تا ۲۱. همین موضوع در مورد اول قرن‌تین نیز صادق است. من آنها را نمی‌خوانم.

عبرانیان، حفظ و نگهداری، عبرانیان ۶:۱۳ تا ۲۰. عبرانیان ۷:۲۳ تا ۲۵. پشتکار، عبرانیان ۱۰:۳۶.

ارتداد، عبرانیان ۳:۱۴. عبرانیان ۱۰:۲۶ تا ۳۹. حفظ ایمان، اول یوحنا ۱۸:۵.

استقامت، اول یوحنا ۵:۱۶، ۱۷. ارتداد، اول یوحنا ۲:۱۹. نویسندگان عهد جدید بدون ترس از تناقض، از حفظ خدا، استقامت مقدسین و ارتداد سخن گفته‌اند.

آنها معتقدند که خداوند قوم خود را در امان نگه داشته و همچنین معتقدند که مؤمنان، آنها همچنین معتقدند که مؤمنان باید تا آخر در ایمان، عشق و تقدس ادامه دهند و برخی از مردم از ایمان رویگردان می‌شوند. مگر اینکه آنها را به تناقض گویی متهم کنیم، که من نمی‌کنم، آنها قصد نداشتند که ضرورت استقامت و هشدارهای ارتداد، حقیقت حفظ ایمان را لغو کند. آنها قصد نداشتند که حقیقت حفظ ایمان، نیاز مؤمنان به استقامت را کاهش دهد.

آنها همچنین قصد نداشتند که آموزه‌هایشان در مورد حفظ اصول، هشدارهای ارتداد را بی‌اثر کند. ما نمی‌توانیم این سه آموزه را کاملاً به هم مرتبط کنیم. حفظ اصول، علت استقامت است.

استقامت یکی از شواهد حفظ ایمان است. همانطور که قبلاً گفتم، اگرچه هشدارهای کتاب مقدس اهداف زیادی دارند، اما یکی از اهداف اصلی آنها تشخیص مؤمنان واقعی از مؤمنان دروغین است. همانطور که قبلاً گفته شد، ترغیب رسولان به استقامت مقدسین و هشدارهای ارتداد از جمله ابزارهایی است که خداوند برای حفظ قوم خود استفاده می‌کند.

با این وجود، ما در برابر راز حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی سر تعظیم فرود می‌آوریم و نمی‌توانیم تعامل پویای آنها را به طور کامل توضیح دهیم. یک متن به طور خاص، استقامت و ارتداد را در هم می‌آمیزد. اول یوحنا ۲: ۱۸ و ۱۹.

بچه‌ها، این ساعت آخر است، و همانطور که شنیده‌اید که دجال می‌آید، حتی الان هم دجال‌های زیادی آمده‌اند. از این طریق می‌دانیم که ساعت آخر است. آنها از ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند.

زیرا اگر از ما بودند، با ما می‌ماندند. با این حال، آنها رفتند تا آشکار شود که هیچ یک از آنها از ما نیستند. (اول یوحنا ۲: ۱۸ و ۱۹)

مضمون دجال با بسیاری از مضامین کتاب مقدس، این ویژگی را دارد که از قبل وجود داشته و هنوز وجود نداشته است. شخصیت دجال آخرالزمان هنوز ظاهر نشده است، اما یوحنا می‌تواند بگوید که در قرن اول، نقل قول از او، بسیاری از دجال‌ها آمده‌اند. آیه ۱۸

یوحنا آنها را به عنوان معلمان دروغینی معرفی می‌کند که در کلیساهای یوحناپی شرکت می‌کردند. آنها ظاهراً به مسیح و قوم او تعلق داشتند اما به معنای عمیق‌تر به او تعلق نداشتند. آنها ظاهراً مسیحی به نظر می‌رسیدند، اما ارتدادشان نشان داد که ایمانداران دروغینی هستند.

آیه ۱۹. سخنان یوحنا گویا است. اگر آنها از ما بودند، با ما می‌ماندند. این یک شرط شرطی یونانی نوع دوم است.

اگر آنها از ما بودند، که نبودند، با ما می‌ماندند، اما نماندند. به عبارت دیگر، مؤمنان واقعی استقامت می‌کنند. آنها مرتد نمی‌شوند.

و شما فعل را اینگونه می‌گویید، نه مرتد شدن را. کسانی که مرتد می‌شوند، آشکار می‌کنند که هرگز ایماندار واقعی نبوده‌اند. یک عبارت از عهد جدید، حفظ ایمان، پشتکار، اطمینان و ارتداد را به هم پیوند می‌دهد.

عبرانیان ۶: ۱ تا ۲۰. تصویر کلی این است. عبرانیان ۶، ۱ تا ۳ ما را به استقامت و پایداری تشویق می‌کند.

آیات ۴ تا ۶ در عبرانیان ۶، هشدار قوی در مورد ارتداد می‌دهد. آیات ۷ تا ۱۰ تضمین می‌کنند که اکثر خوانندگان من نجات یافته‌اند. آیات ۱۱ و ۱۲ در عبرانیان ۶، توصیه‌ای برای استقامت و تقویت اطمینان ارائه می‌دهد.

آیات ۱۳ تا ۲۰ از باب ۶ عبرانیان، تضمین قوی برای حفظ ایمان ارائه می‌دهد. نویسنده پس از سرزنش، کمی تحلیل، پس از سرزنش عدم بلوغ معنوی آنها در فصل ۱۱: ۵ تا ۱۴، خوانندگان را به استقامت در آیات ۶، ۱ تا ۳ تشویق می‌کند. بنابراین، بیایید آموزه‌های ابتدایی درباره مسیح را رها کنیم و به بلوغ، آیه ۱، پردازیم. در ادامه، هشدار شدیدی درباره ارتداد، همانطور که در کتاب مقدس آمده است، آمده است. نقل قول کنید زیرا تجدید توبه برای کسانی که برکات معنوی بزرگی را تجربه می‌کنند، خلاصه من، و کسانی که سقوط کرده‌اند، غیرممکن است.

زیرا آنها به ضرر خودشان، پسر خدا را مصلوب می‌کنند و او را تحقیر می‌کنند، آیات ۴ تا ۶. در ادامه، نویسنده دو نوع زمین را به تصویر می‌کشد. هر دو تحت حاکمیت برکت خدا قرار می‌گیرند و اولی پوشش گیاهی خوبی تولید می‌کند که خدا آن را برکت می‌دهد، اما دومی فقط خار و خس تولید می‌کند که بی‌ارزش است و خدا آماده است آن را نفرین کند و بسوزاند، آیات ۷ تا ۸. این دو نوع زمین به ترتیب نمایانگر مؤمنان واقعی و دروغین هستند. نویسنده می‌خواهد خوانندگانش با نوع اول زمین همذات‌پنداری کنند و در آن استقامت داشته باشند.

پس از هشدار شدید و تصویرسازی دقیق، نویسندگان در آیات ۹ و ۱۰ به اکثر خوانندگان خود سخنان دلگرم‌کننده‌ای ارائه می‌دهد. اگرچه ما اینگونه صحبت می‌کنیم، دوستان عزیز، در مورد شما، ما به چیزهایی که بهتر هستند و به نجات مربوط می‌شوند، اطمینان داریم (آیه ۹). (او کل جماعت را از ارتداد برحذر می‌دارد زیرا می‌داند که برخی در حال فکر کردن به آن هستند، در حالی که او به نجات و استقامت اکثر آنها اطمینان دارد. او دوباره آنها را به استقامت تشویق می‌کند تا اطمینان خود را افزایش دهند.

نقل قول، اکنون از هر یک از شما می‌خواهیم که همین پشتکار را برای اطمینان کامل از امیدتان تا انتها نشان دهید، تا تنبل نشوید، بلکه از کسانی که وعده‌ها را از طریق ایمان و پشتکار به ارث می‌برند، تقلید کنید، آیات ۱۲ و ۱۳. هشت آیه بعدی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، دلیل محکمی برای حفظ مقدسین توسط خدا ۱۱ ارائه می‌دهند. من قبلاً این استدلال‌ها را خلاصه کردم و نشان دادم که خدا به مؤمنان رستگاری نهایی عطا می‌کند.

در اینجا، من فقط آنها را فهرست می‌کنم. با وعده دادن آن، ۶:۱۳. تأیید وعده با سوگند، آیه ۱۴. اراده خود را تغییرناپذیر خواندن، ۱۷.

آیه ۱۸، صداقت او را به ما یادآوری می‌کند. امید ما به رستگاری را لنگر روح می‌نامد، آیه ۱۹. سه بار لنگر خود را کاملاً قابل اعتماد توصیف می‌کند، ۱۹.

تعلیم می‌دهد که مسیح، پیشرو ما، از قبل برای ما وارد بهشت شده است، آیات ۱۹ تا ۲۰. و او ابدیت کهانت مسیح را تأیید می‌کند، آیه ۲۰. نویسندگان عبرانیان چهار آموزه را به پایان می‌رساند و چهار آموزه را به هم مرتبط می‌کند، و نویسندگان عبرانیان، این چهار آموزه را در یک زمینه گسترده به هم مرتبط می‌کند تا به خوانندگان خود خدمت کند.

با انجام این کار، او درک ما را افزایش می‌دهد. اولویت دادن به حفظ و نگهداری و پرداختن گسترده به آن، این واقعیت را برجسته می‌کند که مؤمنان واقعی نمی‌توانند سقوط کنند. خداوند قوم خود را برای نجات نهایی حفظ می‌کند.

نویسنده، توصیه به استقامت و هشدار به ارتداد را با حفظ ایمان سازگار می‌داند. او به عنوان یک کشیش می‌داند که کلیساها ترکیبی از مؤمنان و کافران هستند. هر عضو کلیسا برای استقامت در ایمان، عشق و تقدس. به تشویق و نصیحت نیاز دارد.

برخی به داروی قوی کلام خدا نیاز دارند تا آنها را از بیماری رخوت معنوی بیدار کند. مسیحیان به اطمینانی قوی نیاز دارند که از وعده‌های خدا، خدمت روح در درون و همراهی آنها با او ناشی شود. رهبران کلیسا باید با تشویق آنها به ادامه ایمان، هشدار دادن به آنها در مورد خطر ارتداد و تشویق اکثریت به زندگی در اطمینان، صادقانه به گله خود عشق بورزند.

نتیجه‌گیری. همانطور که دیدیم، خدا آغاز، میانه و پایان نجات ماست. فیض خدا آن را آغاز می‌کند و فیض خدا آن را کامل خواهد کرد.

ما در تقدس پایدار خواهیم ماند زیرا خدا در فیض پایدار است. چارلز هادون اسپورجن، موعظه او، «تمام فیض.» «و در عین حال، فیض خدا سوخت سفر معنوی ما را فراهم می‌کند.

اسپورژن به خوبی بیان کرده است: بین اینجا و بهشت، هر دقیقه‌ای که یک مسیحی زندگی می‌کند، لحظه‌ای از فیض خواهد بود. وقتی نیازمندیم، فیض خدا به ما جسارت می‌دهد. پس بیایید با اطمینان به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت دریافت کنیم و فیضی بیابیم که در زمان نیاز به ما کمک کند.

وقتی در گناه هستیم، فیض خدا توبه ما را تقویت می‌کند و قداست ما را ارتقا می‌دهد. نقل قول: فیض خدا ظاهر شده است و نجات را برای همه مردم به ارمغان می‌آورد و ما را آموزش می‌دهد تا از بی‌دینی و احساسات دنیوی دست بکشیم و در عصر حاضر زندگی کنترل‌شده، درست و خداپسندانه‌ای داشته باشیم. تیطوس ۲:۱۱ و ۱۲.

وقتی برای ادامه خدمت به خدا به قدرت نیاز داریم، فیض خدا ما را قادر می‌سازد، همانطور که پولس شهادت می‌دهد. نقل قول: من از هر یک از آنها، یعنی رسولان، سخت‌تر کار کردم، هرچند این من نبودم، بلکه فیض خدا بود که با من است. اول قرنتیان ۱۱:۱۵.

وقتی خسته و ضعیف هستیم، فیض خدا همانطور که پولس گواهی می‌دهد، ما را تقویت می‌کند. نقل قول: فیض من برای تو کافی است، زیرا قدرت من در ضعف کامل می‌شود. وقتی این سخنرانی‌ها را شروع کردیم، گفتیم که با دو استثنا به کاربرد نجات می‌پردازیم: موضوع اول و موضوع آخر.

مورد اول، گزینش الهی بود که مطمئناً بخشی از کاربرد رستگاری نیست، اما تا حد زیادی برنامه‌ریزی خداوند برای رستگاری پیش از خلقت جهان است. در اینجا، در پایان پرداختن به این آموزه‌های خاص، قبل از اینکه سعی کنیم آنها را با برخی از مضامین بزرگتر کتاب مقدس مرتبط کنیم، اما در اینجا، در پایان پرداختن محتاطانه به آموزه‌های مختلف، این بار دوباره، نه پیش از آن، بلکه فراتر از کاربرد رستگاری می‌رویم و به زندگی ابدی و جلال یافتن می‌پردازیم. در اینجا خلاصه‌ای از آموزه‌های کتاب مقدس در مورد زندگی ابدی ارائه شده است.

در عهد عتیق، حیات معمولاً به حیات فیزیکی و برکت اشاره دارد. اگرچه عبارت حیات جاودان در دانیال آمده است، متون دیگر نیز این عبارت را فقط در دانیال ۱۲:۳، که همان بیان حیات جاودان است ۱۲:۳ پیشگویی می‌کنند. متون دیگر نیز آموزه‌های عهد جدید را پیشگویی می‌کنند، به ویژه متونی که رستاخیز مردگان را پیش‌بینی می‌کنند و برخی از مزامیر که از کلمات حیات یا تا ابد استفاده می‌کنند.

نویسندگان عهد جدید گاهی اوقات از کلمات عهد عتیق برای حیات فیزیکی، به لحاظ گونه‌شناسی حیات در عصر آینده، استفاده می‌کردند. به غیر از نوشته‌های یوحنا، حیات ابدی در عهد جدید عمدتاً به اشاتون، به حیات در عصر آینده، زمانی که مؤمنان برای همیشه از زندگی با خدا در عیسی مسیح و از طریق او لذت خواهند برد، نظر دارد. ما این تأکید آخرالزمانی را در یهودا ۲۱، نقل قول، می‌بینیم، خود را در عشق خدا نگه دارید و مشتاقانه منتظر رحمت پروردگاران عیسی مسیح برای حیات ابدی باشید، نقل قول نزدیک.

مؤمنان منتظر رحمتی هستند که در روز آخر بر آنها نازل خواهد شد و پاداش آن، حیات جاودان در آن روز خواهد بود. با این حال، یوحنا تأکید می‌کند که مؤمنان اکنون در این عصر شریر کنونی از حیات جاودان برخوردارند. موهبت آخرالزمان از قبل به عصر حاضر نفوذ کرده است.

چنین حیاتی در رستاخیز به کمال خواهد رسید، اما اکنون مؤمنان می‌توانند مطمئن باشند که از حیات جاودان برخوردارند. اشاتون به این عصر هجوم آورده است. حیات آینده به کسانی داده می‌شود که اکنون به عیسی مسیح ایمان دارند، حداقل در انتظار آینده، به کسانی که او را به عنوان شاگردانش در حرفه و زندگی دنبال می‌کنند.

خلاصه‌ای کوتاه از کتاب مقدس در مورد جلال یافتن. جلال یافتن در عهد جدید به وضوح یک نعمت آینده است، اگرچه یک بخش نشان می‌دهد که نعمتی در زمان حال نیز هست. دوم، قرن‌تین ۳:۱۸، ۳۱۸، که در مورد مؤمنانی صحبت می‌کند که به لطف خدا از جلالی به جلال دیگر در حال پیشرفت هستند.

با این وجود، ایمانداران اکنون جلال کاملی را که هنگام بازگشت مسیح از آن آنها خواهد بود، ندارند. وعده جلال، ایمانداران را در طول رنج‌های کنونی تشویق می‌کند و شکوه و زیبایی‌ای را که در انتظارشان است به آنها یادآوری می‌کند. جلال برای کسانی که از پیش شناخته شده، از پیش مقدر شده، فراخوانده شده و عادل شمرده شده‌اند، تضمین شده است.

کسانی که خدا آنها را فراخوانده است، قطعاً جلال ابدی را دریافت خواهند کرد، زیرا خدایی که آنها را فراخوانده است، آنها را تا به آخر تقویت خواهد کرد و هدف نهایی جلال مؤمنان این است که خدا به خاطر سخاوتمندانه چنین فیضی بر آنها، تا ابد مورد ستایش قرار گیرد. من یادداشت‌های مختصری در مورد زندگی ابدی و جلال، و همچنین فرمول‌بندی‌های سیستماتیک دارم. در اینجا خلاصه‌ای از سرفصل‌های من آمده است.

به جلال بازگشته. با جلال، گذشته، حال و آینده مشخص می‌شود. با تصویر مسیح مطابقت دارد.

مشارکت در جلال مسیح. زنده با بدن‌های جلال یافته. ساکن در خلقتی تازه.

فرمول‌بندی‌های سیستماتیک، حیات جاودان و جلال. به جلال بازگردانده شده. ما به تصویر خدا آفریده شدیم تا خدا را پرستش و نمایش دهیم، اما همه ما از تصدیق جلال خدا امتناع ورزیدیم و در عوض به دنبال جلال خود بودیم.

از این طریق، ما جلالی را که خدا برای ما به عنوان حاملان تصویر خود در نظر گرفته بود، از دست دادیم. با این حال، خدا به لطف خود و از طریق اتحاد با مسیح، تصویر کامل، ما را نجات می‌دهد و ما را به عنوان حاملان تصویر کامل احیا می‌کند تا در جلالی که تمام مدت آرزویش را داشتیم، شرکت کنیم و آن را منعکس کنیم. بنابراین، ما دریافت‌کنندگان جلال هستیم، از طریق جلال در حال تغییر هستیم و در جلال سهیم خواهیم بود.

نجات ما نه تنها از گناه، بلکه از جلال نیز حاصل می‌شود. ما که جلال خدا را با بت‌ها عوض می‌کنیم، ما که علیه جلال خدا شورش کردیم، توسط همان جلالی که آن را حقیر شمردیم و رد کردیم، کاملاً دگرگون شده‌ایم. می‌شویم و خواهیم شد. رومیان ۱:۱۸ تا ۳۱.

رومیان ۳:۲۳ تا ۸:۲۸ تا ۳۰. رومیان ۹:۲۳.

دوم قرن‌تین ۳:۱۸. یک بار دیگر. رومیان ۱:۱۸ تا ۳۱. رومیان ۳:۲۳ تا ۸:۲۸ تا ۳۰. رومیان ۹:۲۳.

دوم قرن‌تین ۳:۱۸. با جلال، گذشته، حال و آینده مشخص می‌شود. جلال ما در مسیح در واقع گذشته، حال و آینده است.

همانطور که عیسی می‌گوید، ما از قبل جلال یافته‌ایم، نقل قول کنید، ای پدر، من به ایشان جلالی را که به من داده‌ای، داده‌ام تا آنها یکی باشند، همانطور که ما یکی هستیم. یوحنا ۱۷:۲۲. همانطور که پولس بیان می‌کند، ما از جلالی به جلال دیگر تبدیل می‌شویم.

در اینجا دوم قرن‌تین ۳:۱۸ آمده است. همه ما، با چهره‌های بی‌نقاب، گویی در آینه‌ای به جلال خداوند می‌نگریم و از جلالی به جلال دیگر به همان تصویر تبدیل می‌شویم. این از جانب خداوند است که روح است

دوم قرن‌تین ۳:۱۸. و ما همانطور که پولس توصیف می‌کند، در انتظار جلال هستیم. نقل قول: ما به امید جلال خدا فخر می‌کنیم.

رومیان ۵:۲. جلال آینده ما پس از بازگشت باشکوه مسیح رخ خواهد داد. تیطوس ۲:۱۳. اول پطرس ۴:۱۳.

و با تجدید کیهان مرتبط است. رومیان ۸:۱۹-۲۳. دوم پطرس ۳:۱۳.

رومیان ۸:۱۹-۲۳. دوم پطرس ۳:۱۳. همه اینها به عنوان قوم خدا، همه ما به عنوان قوم خدا، چه زنده و چه مرده رستاخیز یافته، با هم جلال خواهیم یافت.

اول تسالونیکیان ۴:۱۵-۱۸. اول قرن‌تین ۵۱:۱۵-۵۲. به تصویر مسیح تبدیل شده است

تصویر خدا که ما در آن آفریده شده‌ایم، پیدایش ۱:۲۶-۲۷، هنوز در وجود ما وجود دارد. عملکرد آن در پاییز کمرنگ شد، اما به تدریج در مسیح احیا می‌شود. کولسیان ۳:۹-۱۰.

افسسیان ۲:۲۲-۲۴. این امر تنها زمانی کامل خواهد شد که مسیح، تصویر واقعی، دوم قرن‌تین ۴:۴، کولسیان در رستاخیز، ما را با قدرت به تصویر خود تبدیل کند. نقل قول، فیلیپیان ۳:۲۱، ۱:۱۵.

او با قدرتی که او را قادر می‌سازد همه چیز را مطیع خود سازد، بدن فروتن ما را به شباهت بدن باشکوه خود تبدیل خواهد کرد. فیلیپیان ۳:۲۱. سینکلر فرگوسن در کتاب خود درباره روح القدس اشاره می‌کند، نقل قول می‌کند، تصویر و حاملان تصویر تا به آخر در روح یکی هستند، به طوری که وقتی مسیح در جلال ظاهر می‌شود، حاملان تصویر در آن جلال با او یکی هستند.

کولسیان ۳:۴. ما در مسیح، با مسیح، توسط مسیح، قیام کرده‌ایم تا شبیه مسیح شویم. در عین حال، ما مسیح را در شما، امید جلال، می‌شناسیم. کولسیان ۱:۲۷.

مشارکت در جلال مسیح. پولس می‌نویسد، نقل قول می‌کند، من معتقدم که رنج‌های زمان حاضر با جلالی که برای ما آشکار خواهد شد، قابل مقایسه نیست. رومیان ۸:۱۸.

به طرز شگفت‌انگیزی، جلال یافتن به معنای رستاخیز مقدسین است که جلال مسیح را می‌بینند و توسط آن دگرگون می‌شوند. بنابراین، برای سهم شدن در آن، خدا برای ما، به قول معروف، وزن ابدی و کاملاً بی‌نظیری از جلال را به ارمغان خواهد آورد. دوم قرن‌تین ۴:۱۷.

در پاسخ به دعای عیسی، ما جلال او را خواهیم دید. یوحنا ۱۷:۲۴. و آن رؤیا ما را دگرگون خواهد کرد.

فیلیپیان ۳:۲۱. اول یوحنا ۳:۲. تا ما واقعاً در جلال او سهم شویم. اول پطرس ۵:۲. خدا ما را از قبل برای جلال آماده کرده است.

رومیان ۹:۲۳. از همان ابتدا و به فیض خود، پسران بسیاری را به جلال خواهد رساند. عبرانیان ۲:۱۰.

در نهایت، زنده با بدن‌های جلال یافته. اگرچه در مرگ، روح‌های ما کامل می‌شوند. عبرانیان ۱۲:۲۳.)

جلال یافتن شامل رهایی بدن‌های ما می‌شود. رومیان ۸:۲۳. بین بدن‌های فعلی ما و بدن‌های رستاخیز یافته‌مان پیوستگی وجود خواهد داشت.

بدن‌های رستاخیز، آیه ۱۱. همچنین ناپیوستگی وجود خواهد داشت، زیرا بدن‌های جدید ما فناپذیر باشکوه، قدرتمند و جاودانه خواهند بود. اول قرن‌تین ۱۵:۴۲ تا ۵۴.

هم جسمانی و هم روحانی وجود خواهند داشت. آیه ۴۴، که به معنای غیرمادی نیست، بلکه تحت حاکمیت روح است. ساکن در خلقتی تازه.

ما به عنوان مؤمنان، نمونه‌ی کوچکی از رستگاری نهایی کیهان هستیم. کیهان بزرگ. نقل قول، خود خلقت نیز از بند فساد رها خواهد شد و به آزادی باشکوه فرزندان خدا دست خواهد یافت.

رومیان ۸:۲۱. خدا با رهایی خلقتش از لعنت، هدف خود را برای آن به انجام خواهد رساند. مکاشفه ۲۲:۳. و ما را به کمال خواهد رساند.

اول تسالونیکیان ۵:۲۳. و آن را کامل می‌کند. دوم پطرس ۳:۱۳.

فرگوسن این را به خوبی بیان می‌کند. نقل قول، کمال این جلال در انتظار آخرت و خدمت روح در رستاخیز است. در اینجا نیز، الگوی کار او همانطور که در مسیح است، در مؤمنان نیز هست، و به طور ضمنی، در جهان نیز چنین است. نقل قول بسته. فرگوسن، *روح القدس*، صفحه ۲۴۹.

در سخنرانی بعدی خود، به بررسی رستگاری از منظر مضامین الهیاتی خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که چگونه این مضامین در بسیاری از آموزه‌هایی که در این سخنرانی‌های گذشته مطالعه کرده‌ایم، تلاقی می‌کنند.

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد رستگاری است. این جلسه 20، حفظ و استقامت، بخش 4، فرمول بندی‌های سیستماتیک، ارتداد، زندگی ابدی، جلال است.